


برچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته نگهداریم!

(۱)



اعتلاء انقلابی جنبش دانش آموزی وراست روی رفقای پیشگام

۵۰

★ دانش آموزان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

" اعتلاء انقلابی، جنبش دانش‌آموزی و راست‌روی رفقای پیشگام "

اکنون یکسال پس از ۱۳ آبان، جنبش خلق و طبعاً " جنبش دانش‌آموزی همچنان در حال اعتلاء است. دولتی که در نتیجه سازش با امپریالیسم و پامال کردن قیام خونین بهمن ماه روی کار آمد در تمام طول عمر کوتاه - مدتش عملاً" نشان داد که قادر به حل انقلابی تضادهای نیست. بهمین دلیل پس از قیام هرگز جنبش افول نکرد و در تمام طول هشت ماهه پس از بقدرت رسیدن هیئت حاکمه کنونی مبارزات انقلابی توده‌ها در مدارج متفاوت ادامه داشته و هم‌اکنون رو به اوج دارد. قدرت‌چندگان پس از قیام همانگونه که پیش‌بینی میشد، تبدیل بیک هیات حاکمه گردید. در واقع حرکت ادغام ارگانهای خرده بورژوازی از همان روز اول آغاز گشت و این امری طبیعی بود، زیرا وقتی که رهبری انقلاب دمکراتیک بدست خرده بورژوازی می‌افتد او از ارائه یک خط سیاسی عاجز است و در شرایط عدم وجود و رهبری حزب طبقه کارگر، قادر به پیگیری حرکت انقلابی نیست و بدام لیبرالها و در نهایت امپریالیزم می‌افتد.

حرکت ادغام در هفته " قدس " تکمیل شد و شورای انقلاب در دست بورژوازی قرار گرفت. اکنون دیگر هیات حاکمه دوگانه گذشته تبدیل به یک هیات حاکمه

اما با گرایشهای چندگانه شده است. در این زمان بورژوازی زمینه را برای حرکت‌های ضدانقلابی فراهم می‌بیند. کمیته‌ها زیر فرمان ارتش درمی‌آیند. فرماندهان ارتشی بر آنان حکم میرانند و پاسداران را چمران و شاکر عمال امریکائی، هدایت می‌کنند. اولین حرکت چشم‌گیر پس از این تحولات، حمله به کردستان است. در این لحظه جناح‌های مختلف هیات‌حاکمه بر جنایات کردستان سرپوش‌گذارند و سخنی از آن به میان نی‌آوردند. اما از نظر کمونیست‌ها از همان ابتدا آشکار بود که کفایت مدت کوتاهی سپری شود تا نتیجه لشکرکشی به کردستان روشن گردد. و خلق کُرد در کردستان را به گورستان نیروهای ضدانقلابی تبدیل کند و شکاف بین گرایش‌های متفاوت هیات‌حاکمه را حادث‌تر نماید (همواره هنگامی که مبارزات توده‌ها اوج می‌گیرد، تضاد درون هیات‌های حاکمه نیز حادث‌تر می‌شود) حرکت بعد از روز قدس، از طرفی نمایانگر عدم توانائی هیئت‌حاکمه در حکومت به شیوه سابق (تحمل وجود آزادی‌های نسبی قبل آزادی مطبوعات و اجتماعات و...) و از طرفی ضعف و زبونی در پاسخ به مسایل توده‌ها بود که ناشی از بحران موجود جامعه می‌باشد، و ما آنرا توضیح خواهیم داد.

نتایج بعد از هفته قدس این بود که هیات‌حاکمه عملاً رو در روی توده‌ها قرار گرفت، در واقع حمله به مطبوعات، کردستان و غیره را باید نقطه عطفی در مسیر حرکت هیات‌حاکمه بحساب آورد.

مسائلی که تاکنون بطور خلاصه از آنان سخن رفت حتماً باید در تحلیل موقعیت نیروهای انقلابی منظور گردد.

جنبش اعتلائی توده‌ها از این به بعد رو به اوج نهاد. مردم قهرمان کردستان دولت را عاجز کردند. دیپلمه‌ها و کارگران بیکار در جریان راهپیمایی مستقیماً با کمیته‌ها رو در رو شدند. در انزلی پاسداران بروی مردم آتش‌گشودند و صیادان زحمتکش میهنمان را بخون کشیدند. در عرض دو روز انزلی زیر و رو شد و شعارهای انقلابی و ضد امپریالیستی علیه هیات حاکمه کنونی و بنفع زحمتکشان و خلقها واز جمله مبارزات خلق کرد داده شد. بی شک در این میان حرکت‌های دانش‌آموزان نیز رو به اوج گذاشت. حرکت‌های پراکنده به تظاهرات چندین هزار نفری تبدیل شد و اکنون روز بروز بر همه معلوم میشود در برابر این همه تظاهرات، پاسخ دولت‌گاہ سکوت و تحریف مزورانه و گاه سرکوب‌است. اکنون توده‌ها در حال درک این موضوع هستند که دولت‌نه میخواهد و نه میتواند به خواست‌های توده‌ها و طبعاً " دانش‌آموزان پاسخ دهد. به همین جهت در پس چنین حرکاتی، توهم توده‌ها بسرعت رو بزوال و نابودی گذاشته است. این حقیقت را خود هیات حاکمه هم به گونه‌ای دردناک احساس میکند و حاضر است به هر وسیله‌ای چنگ زند تا بر توهم توده‌ها دامن زده باز هم سوار بر جنبش توده‌ای شود. اما بدرستی میتوان گفت این اعتلاء ادامه پیدا خواهد کرد و هیات حاکمه رسواتر خواهد شد. اکنون دیگر سال ۱۳۴۲ نیست که امپریالیسم توسط دست‌نشانندگان خود در ایران قادر باشد دست به یک فرم دراز مدت بزند و پایگاهی در میان مردم بدست آورد. علت این امر وجود بحران عمیق جهانی امپریالیسم است که در سال ۱۳۴۲ به نسبت کمتری دچارش بود.

امروزه همه نیروهای انقلابی میدانند که پایه‌های عمده وابستگی کماکان برجای خود باقی هستند. از این جهت حرکت‌های مستقل دولت معنا ندارد و هرگونه حرکتی و فرمی باید از سوی امپریالیسم صورت گیرد. در واقع هرگونه فرمی، تا زمانی که از سوی امپریالیسم تضمین نگردد، موفقیت به همراه نخواهد داشت چرا که نفوذ امپریالیسم در اعماق زیربنای جامعه ریشه دوانده و بدین وسیله همه چیز را در کنترل خود دارد. لیکن همانطور که گفتیم، امپریالیسم خود دچار بحران شدیدی است. در سراسر جهان جنبش‌های خلق، آمریکا را در تنگنا قرار داده است. در ایران، نیکاراگوئه، کره جنوبی و و این جنبشها بطور روز افزون بر ناتوانی امپریالیسم آمریکا می‌افزاید و آمریکا را در پاسخ به مسائل کشورهای تحت سلطه خود، در تنگنا و بن بست قرار میدهد. بنا به علل فوق، حرکت در حال اعتلای مبارزات خلق ما ادامه خواهد داشت و دم به دم بر توان آن افزوده خواهد گشت. هر کس این حقایق را مورد نظر قرار ندهد قادر نخواهد بود به پیشواز حرکت‌توده‌ای بشتابد. قادر نخواهد بود ویژگیهای اعتلاء را دریابد و در مجموع قادر نخواهد بود تاکتیک صحیحی به جنبش ارائه دهد.

با این مقدمه به جنبش‌دانش‌آموزان انقلابی بپردازیم. نقش و ویژگیهای اعتلاء را در این جنبش بشکافیم.

تاریخ جنبش‌دانش‌آموزان انقلابی نمایانگر آنست که معمولاً هرگاه جنبش خلق حرکت‌های کند و بطئی داشته است، دانش‌آموزان نیز همینطور بوده‌اند،

مبارزات دانش‌آموزان انقلابی در کنار مبارزات خلق و بازتابی از مبارزه انقلابی جریان‌های مختلف درون جامعه است و از انقلاب مشروطه تاکنون همواره تداوم داشته است.

طی پروسه تاریخی (۳۲ - ۲۰) جنبش دانش‌آموزی بویژه از سال ۱۳۲۸ به بعد اوج گرفت و تا حدودی در صدد متشکل شدن برآمد. که با شکست و خیانت خائنین توده‌ای (فراموش‌نکنیم پس از فرار خائنانه رهبران حزب توده بتدریج سازمانهای توده‌ای و از جمله دانش‌آموزی در هم شکست و رهبر سازمان جوانان که بخش دانش‌آموزی را نیز در بر میگرفت یعنی "شرمینی" به رژیم ضد خلقی پیوست) که با شکست مرحله‌ای جنبش خلق آنهم رو به خاموشی گذارد. ولی علی‌رغم افت و خیزهای هرگز از حرکت باز نایستاد. در حقیقت تداوم حرکات خلق این امکان را بوجود آورد که در طی سالهای (۳۲ - ۲۰) دانش‌آموزان به حرکات مستقل و تشکلهای متناسب با آن دست یابند. در سالهای اعتلاء انقلابی ۴۲ - ۳۹ دانش‌آموزان به مبارزه انقلابی وسیعی علیه روی آوردند و در تظاهرات خونین خویش " کلهر" شهید (دانش‌آموز دارالفنون را به خلق هدیه دادند) در مبارزات علیه گرانی اتوبوس در ۱۳۴۸ نیز دانش‌آموزان نقش مهمی ایفا کردند.

از شروع جنبش اعتلائی خلق (سال ۵۶ جنبش خانه - سازی در خارج از محدوده) تا قیام بهمن ماه دانش - آموزان انقلابی گرچه نقش خود را بازی کردند، گرچه همراه با خلق بودند، ولی دارای تشکیلات مستقل و حرکت با برنامه و منظم نبودند اما حماسه‌هایی که آفریدند برای همیشه آنان را در کنار کارگران -

دهقانان و زحمتکشان و ... بعنوان قهرمانان انقلاب دمکراتیک میهن معرفی میکنند. اکنون تداوم جنبش خلق به اینجا منجر شده است که دانش آموزان انقلابی به حرکت خود ادامه دهند، آری امروزه دانش آموزان میروند تا با شعارهای انقلابی و مبارزات روز افزون خویش در تشکیلات انقلابی نیز بسیج شوند، اما ضعفهای بیشماری در جنبش دانش آموزی کنونی وجود دارد (که بخش " ریشه آنها در ضعف جنبش باید جستجو کرد) که بی شک خطرات زیادی نیز آنها تهدید میکنند . ما یادآوری کردیم که طی سالهای گذشته حرکت آرام مبارزه طبقاتی خلق و امپریالیزم در واقع بمعنای عدم وجود حرکتهای دانش آموزی بود (از استثنائات نادر بگذریم) در واقع برخلاف دانشجویان انقلابی دانش آموزان انقلابی نتوانستند تشکلهای صنفی و سیاسی بوجود آورند . در واقع از این جهت جنبش دانش آموزی بسیار جوان است و این علاوه بر ضعف دانش آموزان (محدودیت های خانوادگی، کم سنی ...) است .

عدم وجود تشکلهای صنفی و ارتقاء نیافتن آنها به سطح سیاسی باعث شده است که دانش آموزان علیرغم شور انقلابی بسیارشان، دارای تجربه صنفی - سیاسی ناکافی و افق دید محدودتری نسبت به دانشجویان باشند . به همین علت تاثیر گذاری دانش آموزان آگاه بر جنبش خود بخودی محدود میگردد و این فرصت مناسبی است تا لیبرالها (با استفاده از ضعفهای دیگر که اکنون در جنبش دانش آموزی وجود دارد) سعی کنند از این جنبش سوء استفاده کنند و بر آنها سوار گردند . از طرفی بعلمت اینکه دانش آموزان جنوب شهر تحت فشار اقتصادی ناچارند اوقات بیکاری خود را صرف کار کردن

کنند و به همین علت کمتر در کار مطالعه باشند، و از جهتی در رابطه با مراکز روشنفکری که در حال حاضر عمده کار افشاگری را انجام میدهند (دانشگاه ...) نیستند، که خود باعث به عقب افتادن شکست توهم آنها میگردد، در حرکات کنونی چندان شرکتی ندارند. (که البته هیچ جنبش انقلابی بدون آنان نمیتواند به سرانجام رسد).

وجود چنین موقعیتی در جنبش کنونی که عبارت است از :

۱ - عدم تجربه صنفی - سیاسی و تشکیلات در جنبش دانش آموزی.

۲ - شرکت اقشار متوسط و عدم شرکت قشر وسیع توده های پائین شهر، زمینه را برای گسترش شعارهای لیبرالی فراهم میکند که هدف ما در اینجا بیشتر برخورد به چنین مواضعی است.

ما گفتیم که اکنون جناحهای مختلف هیات حاکمه برای بدست آوردن سهم بیشتری از قدرت، تضادهای شدیدی دارند. اکنون هر یک از لیبرالها و نیسز رویزیونیستهای خائن حزب توده، سعی میکند جنبش را وثیقه ای کند، تا بدان وسیله سهمی در هیات حاکمه برای خود دست و پا کند، ضعفهای دانش آموزی به این امر کمک بیشتری میکند. آنها سعی میکنند در عین همراه نشان دادن خود با جنبش خلق، با طرح شعارهای لیبرالی از سمت گیری این حرکت به هرچه بیشتر قاطع شدن جلوگیری کنند، چرا که قاطع شدن این حرکت فاتحه خود آنان را نیز خواهد خواند.

اما این شعارهای لیبرالی و رویزیونیستی کدامند و وظایف ما در قبال آنان چیست؟ بحثی نیست که در

حالت عادی همواره باید شعارهای صنفی - سیاسی داده شود، اما ما گفتیم که اکنون شرایط عادی نیست، و مبارزه در حالت اعتلاء بسر میبرد و از ویژگیهای اعتلاء این است که شعارهای صنفی بسرعت تبدیل به شعارهای سیاسی میشوند و بی شک شعارهای سیاسی در اینحالت روز بروز قاطع تر میگردند. اما لیبرالها چه میخواهند، آیا آنها هم میخواهند شعار سیاسی داده شود، آیا آنان هم مانند ما حاضرند از دانشآموزان کرد بعنوان بخشی از خلق کرد پشتیبانی کنند؟ مسلماً نه، در ماهیت آنان چنین نیست. پس آنان چه خواهند کرد، معلوم است. آنان این نظر را که باید شعار صنفی داده شود نه سیاسی دستاویز قرار خواهند داد، و در آنجا که ناچار شوند، میگویند شعار سیاسی هم، باشد ولی باز هم میکوشند آن شعار سیاسی را هم از محتوای انقلابی اش خالی کنند چرا که آنان نیز غریزه طبقاتی دارند، آنان هم احساس میکنند که جنبش خلق در حال اعتلاء است و به همین علت در صدد چاره جوئی هستند و در جهت سد کردن این حرکت تلاش خواهند کرد، آری آنان آگاهانه سعی بر این دارند که دانشآموزان را در چارچوب مسائل صنفی و دانشآموزی نگهدارند، تا که خلق از نیرو و انرژی ۹ میلیون دانشآموز بی نصیب بماند، و جنبش را تکه پاره کرده، ضعیف کنند و راحت تر بر آن سوار گردند.

اما حال وظایف ما در قبال آنان چیست، آیا ما همان شعاری را که لیبرالها و رویزیونیستهای چون حزب توده سعی میکنند در جنبش رخنه دهند، بایست تکرار کنیم و سطح خود را تا سطح این خیانت پیشگان پائین آوریم یا باید آنان را افشا کنیم؟ آیا فقط

کافیست لفظاً " بگوئیم اینان را افشا میکنیم، یا عملاً" اینان را رسوا کنیم؟ به نظر ما و بر اساس تحلیلی که ما از جنبش داریم (که مختصری از آن گفته شد) ، باید شعارها را عمدتاً " سیاسی مطرح کرد (البته میدانیم که به شعارهای صنفی نیز بایستی بها داده و بکوشیم همین شعارها را نیز تا سرحد سیاسی ارتقاء بدهیم) تا عملاً" ناپیگیری آنان برای توده‌های دانش‌آموز روشن شود، عدم همراهی آنان با خلق دیده شود. اگر اینان شعار صنفی دهند، شعار ما باید فراتر از آنان باشد، چرا که در واقع روشن است و جنبش آنچنان اوجی دارد که اینان به دادن این شعار راضی شده‌اند، چرا که اینان همواره سعی در سد کردن هرگونه جنبش انقلابی دارند (بنا به مثل، عزا چه عزائی است، مرده شور عزا گرفته است) شعار ما باید همواره از اینان جلوتر باشند، اینان فقط در صورت پیش‌روی جنبش خلق حاضرند لنگ‌لنگان خود را بدنبال آن بکشند، بنابراین و با توجه به وجود اعتلای انقلابی شعارها حتی نمیتواند، فقط صنفی - سیاسی باقی بماند و همانطور که گفته شد باید شعارها عمدتاً " سیاسی باشد. در این رابطه برخورد راست عبارتست از جلوگیری از سیاسی شدن شعارها، و برخورد چپ‌روانه عدم استفاده از شعارهای صنفی و محدود کردن شعارها فقط به سیاسی است.

(البته در اینجا لازم است مدارج سیاسی بودن شعار توضیح داده شود، شعارهای سیاسی درجات متفاوتی دارند که بایستی نسبت به سطح جنبش از آنان استفاده شود) در واقع در لحظه کنونی طرح چینی شعارهایی از سوی لیبرالها میتواند گسترش یابد و جنبش را تا مدتی به دام خود افکند (اولاً " بعلل

ضعف‌های گفته شده، دوماً " اینکّه دانش‌آموزانی کّه اکنون دست‌به‌تظاهرات می‌زنند، عمدتاً " از لحاظ طبقاتی برای چنین پذیرشی مناسب هستند) و با همه اینها لیبرالیزم آن خط عمده‌ای است که در درون جنبش دانش‌آموزی آنرا تهدید میکند .

اما در حال حاضر چه کسانی واقعیات را نمی‌بینند، چه کسانی دچار راست‌روی و اکونومیسم هستند و به همین علت همان شعارهایی را که لیبرالها میدهند و شاعه میدهند، در واقع آیا بین گروههای سیاسی چه کسانی مبلغ چنین شعارهایی هستند. به نظر ما " سازمان دانشجویان پیشگام " یا ماهیت متفاوت از لیبرالها، دنباله‌رو چنین شعارهایی است .

ما سندی از سازمان دانشجویان پیشگام نداریم که درباره اعتلاء انقلابی در آن سخن رفته باشد (آنچه در اختیار ماست نشان میدهد که به اعتلاء انقلابی در حال حاضر اعتقادی ندارد که بدان اشاره خواهد شد، قابل ذکر است که سازمان چریکهای فدائی خلق اعتلای انقلابی را در تابستان رد کرده است . رجوع شود به چرا در انتخابات مجلس خبرگان شرکت میکنیم) ما از موضع واقعیت حرکت میکنیم و اینکّه اکنون بوضوح اعتلاء انقلابی دیده میشود (سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، خیلی پیش‌این تحلیل را ارائه داده و زندگی و صحت و درستی آنرا ثابت کرد .) زمانی که جنبش در حال اعتلاء است، خلق پر خروش میرزمد، شعارها بسرعت سیاسی میشود. توده‌ها بسرعت توهم خود را از دست میدهند و درک میکنند که این رژیم قادر نیست به مسائلشان پاسخ دهد، بی شک توده‌ها سعی در سرنگون ساختن دولت خواهند کرد (البته زمان سرنگونی اکنون نیست) در واقع در چنین موقعیتی دولت در حال

تثبیت نیست ، بلکه دولت آینه‌اش نامعلوم و متزلزل... است ، کمونیستها غیبگو نیستند که بگویند در دنباله اعتلا آیا توده‌ها آنقدر پیش خواهند رفت که دولت را سرنگون سازند. یا در این میان دولت‌شبه فاشیستی بر سر قدرت خواهد آمد یا ... اما میدانند جنبشی که نتیجه عدم پاسخ خواستهایش از سوی دولت است هرگز رو به خاموشی نمیگذارد، چرا که انگیزه حرکت کماکان بجای خود باقیست و ما میدانیم " نمیتوان با سلاح ذهنی توهمات آنرا (بحران را) در برده نگاهداشت " . (نقل از پیام سازمان ییکار در راه آزادی طبقه کارگر به دانشجویان و دانش‌آموزان مبارز و انقلابی) . و به همین جهت حکم مادر نمیکنیم که " اما سیر حوادث کنونی جامعه به سرعت بطرف تثبیت و تحکیم این " نظم " به پیش رفته ... " (به نقل از پیام سازمان دانشجویان پیشگام بمناسبت آغاز سال تحصیلی ، تحت عنوان اتحاد ، مبارزه ، پیروزی) در واقع اینان قادر به درک اعتلاء انقلابی نشده‌اند و مسلم است که به همین دلیل نخواهند توانست تا کتیک صحیحی برای جنبش دانشجویی ارائه دهند و از اینجا است که این خط راست از کانال دانش‌آموزان پیشگام در اختیار دانش‌آموزان قرار داده میشود .

دانش‌آموزان پیشگام ، در اعلامیه‌ای که بمناسبت آغاز سال تحصیلی با عنوان " یکپارچه ، یرشور ، چشم اندازی روشن (!) سال نو تحصیلی را آغاز کنیم " بیرون داده‌اند ، جایی که برنامه برای دانش‌آموزان میدهند اشاره به " ایجاد شورا " ، " ایجاد نهادهای صنفی مانند بوفه ، امکانات ورزش ، کتابخانه و ... " ، " برگزاری روز ۱۳ آبان " ، " ایجاد کلاسهای تقویتی " و

آرشیو اسناد سازمان ییکار در راه آزادی طبقه کارگر

" روزنامه دیواری " میکند (اعلامیه ۵۸/۷/۱)
آنان در این اعلامیه وظایف سیاسی را در واقع
محدود به نشر روزانه دیواری از جهت " پهنه برخورد
عقاید " بودن و " افشای واقعیت جاری جامعه " طرح
میکنند. زمانی عقب افتادگی این شعار روشن میشود که
این برنامه را وظیفه دانش آموزان مبارز و انقلابی
بدانند و نه توده دانش آموز. اما ما اعتقاد نداریم
که این مواضع، بطور اشتباهی اتخاذ شده ما این را
بعنوان بیرون آمدن یک خط راست در چریکها و هواداران
آن میدانیم.

اگر در سال گذشته چریکها این خط راست را برای
جنبش دانشجویی تدوین کردند امروز وظیفه هواداران
آنانست که به چنین اقدامی دست بزنند.

" سازمان چریکهای فدائی خلق " سال گذشته،
زمانی که ۱۷ شهریور مردم فریاد زدند " مرگ بر شاه "
زمانیکه یک لحظه فریاد " این شاه امریکائی اعدام
باید گردد " قطع نمیشد در پیام ۵۸/۷/۱۶ بمناسبت
آغاز سال تحصیلی جدید نوشتند :

اگر سال گذشته دانشجویان با شعار عمومی حفظ
فعالیت های صنفی به مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری شاه
پرداختند، امسال میتوانند شعار عمومی " اخراج گارد "
از دانشگاه را طرح نمود. (اعلامیه ها و بیانیه های
سازمان چریکهای فدائی خلق ص ۵۶-۵۵)

زمانی که مردم خواستار سرنگونی رژیم هستند
اینان از دانشجویان که حتی در سالهای خفقان که
جنبش مردم جوش و خروشی نداشت فریاد " مرگ بر این
حکومت فاشیستی " را میدادند، میخواهند که اخراج
گارد از دانشگاه را شعار خود کنند !!

آرشیو اسناد سازمان پیکار ۱۲ راه آزادی طبقه کارگر

طرح شعارهای صنفی در آن موقع و همچنین اکنون که جنبش در حال اعتلا است، به نفع کی میتواند باشد؟ اگر آن لحظه شعار چریکها پیگیری میشد، آیا مبارزات اوجگیرنده و سیاسی خلق لطمه نمیخورد، آیا غیر از اینست که این شعارها سد راه جنبش میشود و از پتانسیل انقلابی توده‌ها میکاهد، اگر سخنان گفته شده بالا از سوی ما درست است، برخورد قاطع آنان میتواندست از تکرار مجدد آنان جلوگیری کند که نشد و همچنین این وضعیت ادامه دارد.

لیبرال بودن این خط بیشتر زمانی روشن میشود که سازمان مجاهدین خلق نیز در " پیام به دانشجویان سراسر کشور بمناسبت آغاز سال جدید دانشگاهی " نوشته است :

" خواستار محیط آرام و سالمی هستیم که طی آن شما بتوانید ضمن انجام فرایض علمی خود هر کلاس و دانشکده را به کانونی برای تعالیم روشنگر انقلابی و مردمی و مکتبی تبدیل سازید " که صرفنظر از اینکه " محیط آرام " و " سالم " معنایش در فرهنگ اینان روشن است، محدود کردن " اکادمیستی " موضوع دانشجویان همان چیز است که در واقع لیبرالیسم خوانده میشود و همچنین در این پیام آمده است " و اما، چون در ایام حاضر نگرانیهایی درباره وضعیت سال آتی دانشگاهها ابراز میگردد، ما اعتصابات عمومی سراسری دانشجویی و تعطیل دانشگاهها را بطرح ندانسته و ضمن بزرگداشت جنبش عظیم دانشجویی، شما را به پیگیری فعال جنبش خود، البته بطریق و در جهات مثبت دعوت میکنیم " .

دانش آموزان جبهه دمکراتیک نیز در پیام خود

همین خط را ارائه داده‌اند " ما موظفیم در اداره امور مدارس نقش خود را ایفاء کنیم و این نقش تنها و تنها از طریق تشکیل و گسترش شوراهای مدارس که با شرکت فعال دانش‌آموزان باید ایجاد گردد، امکان پذیر است. کمیته دانش‌آموزان وابسته به جبهه دمکراتیک ملی ایران از همه دانش‌آموزان مدارس ایران می‌خواهد که در جهت تشکیل، استقرار و گسترش شوراهای مدارس نیروی خود را بسیج نمایند".

تشابه بین پیامهای پیشگام و جبهه دمکراتیک...
بخوبی هویدا است و ما لزومی به ارائه نقل قول بیشتر نمی‌بینیم، در اعلامیه جبهه دمکراتیک هیچ اشاره‌ای به رژیم ضد خلقی کنونی و اینکه دانش‌آموزان چه باید بکنند تا توده‌های دانش‌آموز را بسیج کنند و ذهن توده‌های مردم را نسبت به جنایات رژیم روشن کنند نمی‌شود. همچنانکه در اعلامیه پیشگام. در واقع موقعیت کنونی چیزی فراتر از اینها می‌طلبد، فراتر از شرکت در شورای مدارس، فراتر از فعالیت صنفی....

اما ما (دانش‌آموزان هوادار سازمان پیکار...)
چه پیشنهاد کردیم؟ : در اعلامیه " خطاب به کلیه دانش‌آموزان مبارز و انقلابی " ما پیشنهاد کردیم که هسته‌های فعال سیاسی تشکیل داده تا رژیم ضد خلقی را افشا کنیم و از این طریق ذهن دانش‌آموزان نسبت به مسائل خود و خلق بیشتر روشن کند، که کماکان هنوز بر این اعتقاد هستیم و اهمیت آن بیشتر میشود، اگر ما باید یک‌گام همواره از جنبش پیش‌باشیم و نسه بیشتر، اکنون دانش‌آموزان همگی خود به ضرورت داشتن فعالیت صنفی پی برده‌اند، ما دیگر نباید در اینجا باقی بمانیم.

دانش‌آموزان مبارز و انقلابی ، رفقا :

ما میدانیم که اکنون در تعداد زیادی از دانش-آموزان این دید وجود دارد که با شعار صنفی دادنه سیاسی (چرا که خود مانند شما با آن درگیریم) اما وظیفه ما نیست که در قبال این جریان سر فرود آوریم ، وظیفه ماست صبورانه به توضیح این مطلب بپردازیم که مسائل صنفی از سیاسی جدا نیست و این از صدها راه امکان پذیر است ، پخش اعلامیه ، نوشتن شعار ، برگزاری میتینگ ، سخنرانی بر کلاس درس ایجاد جمعهای - برای بحث حول مسائل سیاسی و غیره .

ما وظیفه داریم بگوئیم که چرا ما میخواهیم فعالیت سیاسی آزاد گردد ، در واقع آیا فعالیت سیاسی اکنون آزاد نیست ؟ آیا در دبیرستانها اکنون انجمن اسلامی وجود ندارد ؟ چه نوع فعالیت سیاسی آزاد تیست ، فعالیت سیاسی برای نیروهای انقلابی آزاد نیست ، چرا ؟ بی شک برای اینکه رژیم از آزاد بودن اینان وحشت دارد چرا که بمحض بدست آوردن آزادی دولت ضد انقلابی را افشا خواهند کرد (که در صورت نبودن آزادی بورژوازی هم همین کار را خواهند کرد) جنایات رژیم را در کرهستان ، انزلی ، خوزستان خواهند گفت ، از حمله رژیم به دیپلمه‌ها و کارگران بیکار سخن خواهند گفت (او نه تنها سخن بلکه حتی میتوانند دانش‌آموزان را تشویق به انجام تظاهرات بر علیه رژیم کنند) و خواهند توانست از محیط بدست آمده برای ارتقاء بهتر خود سود جویند ، سخنرانی خواهند گذاشت آری ما آزادی سیاسی میخواهیم تا نه اینکه سکوت کنیم بلکه افشا کنیم ، در واقع باید از آنان که میگویند شعار سیاسی ندهیم اما شعار " فعالیت سیاسی آزاد باید گردد " را میدهند پرسید برای چه میخواهی

فعالیت سیاسی آزاد گردد (بزود آزادی طبقه کارگر

اینست ارتباط بین کار صنفی و سیاسی ، بین کار صنفی و سیاسی دیوار جین کشیده نشده است .

اما این یک جانب قضیه است ، جانب دیگر اینکه مگر ما بخشی از خلق نیستیم ، مگر خواست ما نبایند خواست خلق باشد آیا منافع ما از آنان جداست ، آیا لغو شهریه بمعنای کمک به زحمتکشان نیست ، آیا هدف ما از یکسان شدن امکانات آموزشی یا بدست آوردن هزینه تحصیلی برای فرزندان زحمتکش ، کمک به زحمتکشان نیست؟ بی شک آری ولی آیا رژیم که زحمتکشان کرد و انزلی را به گلوله می‌بندد میتواند به فکر زحمتکشان باشد اصولاً در ماهیت چنین رژیمی است که منافع خلق را ارج گذارد؟ ما باید به دانش‌آموزان این را توضیح دهیم و بگوئیم که رژیمی که خلقها را سرکوب میکند ، قادر به تامین خواستهای اساسی ما نیست و اینست پیوند خواستهای ما با دیگر بخشهای خلق و همچنین پیوند بین خواست صنفی و سیاسی و اگر تمام اینها درست است پس باید اینرا توضیح داد و اینرا به میان توده‌ها و دانش‌آموزان برد ، خصوصاً " اینکه هر دقیقه لحظه کنونی معادل یکسال آرامش برای توده‌ها ارزش دارد و اینکه توده‌های دانش‌آموز آمادگی چنین پذیرشی را دارند .

رفقا : ویژگی اعتلا را دریابیم و شعارهای سیاسی را هر چه گسترده‌تر به میان دانش‌آموزان و توده‌ها ببریم .

هرچه مستحکمتر باد پیوند جنبش دانش‌آموزی

با جنبش زحمتکشان

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

دانش‌آموزان هوادار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۸/۸/۱۱

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

فدراسیون دانشویان و محصلین ایرانی در فرانسه

اتحادیه دانشجویان ایرانی در آلمان و برلین غربی و سوئد و آمریکا

www.peykar.org